**حسابرسی عملیاتی؛ حسابرسی با دیدگاه مدیریت**

**پديدآورنده: محمد مهيمنی**

**مقدمه**
امروزه مدیریت سازمانی تاکید فزاینده‌ای بر ارزیابی صرفه اقتصادی، کارایی و اثربخشی عملیات سازمانی دارد. حسابرسی عملیاتی به‌عنوان ابزاری برای این ارزیابی به‌کار می‌رود. اگر چه واژه حسابرسی عملیاتی در معنی‌های مختلفی به‌کار می‌رود، اما تعریفی یکپارچه و مشخص در این باره پذیرفته نشده است. موارد زیر تعریفهایی است که برای حسابرسی عملیاتی وجود دارد:
• گسترش دامنه رسیدگی‌های حسابرسی به کلیه فعالیتهای سازمان،
• کاربرد حسابرسی داخلی برای عملیات به‌جای کنترلهای مالی،
• شناسایی فرصتها برای افزایش اثربخشی، صرفه اقتصادی یا بهبود اثربخشی در اجرای روشهای عملیاتی،
• به‌کارگیری تکنیکهای کنترلی برای ارزیابی اثربخشی رویه عملیاتی،
• بررسی کنترلها، شامل کنترلهای غیرمالی،
• حسابرسی فعالیتهایی که در رسیدگی به صورتهای مالی به آن توجهی نشده است،
• تکنیک حسابرسی برای ارزیابی کارایی و صرفه اقتصادی عملیات،
• حسابرسی با استفاده از دیدگاه مدیریت،
• حسابرسی برای مدیریت داخلی و نه اشخاص ثالث (برون‌سازمانی) و نتایج به‌دست آمده در درون سازمان و نه خارج آن جریان می‌یابد،
• ترکیبی از حسابرسی کارایی و صرفه اقتصادی و حسابرسی اثربخشی یا نتایج برنامه.
با در نظر گرفتن این تعریفها می‌توان گفت حسابرسی عملیاتی در واقع حسابرسی عملیات از نقطه‌نظر مدیریت است که صرفه اقتصادی، کارایی و اثربخشی کلیه فعالیتها را ارزیابی می‌کند و تنها محدود به خواست مدیریت است.

**استانداردهای حسابرسی عملیاتی**
نقطه شروع مفهوم حسابرسی عملیاتی، انتشار استانداردهای حسابرسی سازمانهای دولتی در سال 1972 به‌وسیله دیوان محاسبات امریکا (General Accounting Office; GAO) است که بعدها به کتاب زرد مشهور شد. از زمان انتشار این استانداردها، دیوان محاسبات امریکا نشریات دیگری را نیزدر تشریح و تکمیل استانداردها و تعیین تاثیر حسابرسی بر کارایی و اثربخشی برنامه‌ها و عملیات دولتی منتشر ساخته است. در سال 1981 این استانداردها برای گسترش مفاهیم زیر مورد بازنگری قرار گرفتند:
• استانداردهای آزمون و ارزشیابی (اجرای عملیات) و گزارشدهی مربوط به حسابرسی مالی و رعایت،
• استانداردهای آزمون و ارزشیابی کارایی و صرفه اقتصادی عملیات و حسابرسی نتایج حاصل از برنامه،
• استانداردهای گزارشدهی در مورد حسابرسی کارایی و صرفه اقتصادی عملیات حسابرسی نتایج حاصل از برنامه،
• حسابرسی سیستمهای رایانه‌ای: نقش حسابرس در طراحی و توسعه سیستم (به‌عنوان پیوست).
در ژوئیه 1988 دیوان محاسبات امریکا استانداردهای حسابرسی دولتی را مورد ارزیابی مجدد قرار داد تا مسئولیت آموزش مستمر و استانداردهای حرفه‌ای تجدیدنظر شده را به مسئولیتهای حسابرس اضافه کند. بعضی از سازمانهای دولتی، ایالتی و محلی حسابرسی، این استانداردها را رسماً پذیرفته‌اند. استانداردهای دیوان محاسبات امریکا به‌وسیله کمیته‌ای از انجمن حسابداران رسمی امریکا (AICPA) که در ارتباط با دیوان محاسبات امریکا بود بازنگری شد.
گزارش سال 1973 آن می‌گوید: “اعضای این کمیته در مورد فلسفه و هدفهای دیوان محاسبات در تدوین استانداردهای حسابرسی عملیاتی توافق دارند و بر این باورند که تعریف ارائه شده درباره حسابرسی از جامعیت برخوردار بوده است و می‌تواند عامل تداوم و تکامل منطقی و موثر حرفه حسابرسی شود.”
به‌علاوه کمیته حسابرسی عملیاتی انجمن حسابداران رسمی امریکا در سال 1982 فعالیتهای حسابرسی عملیاتی را تعریف می‌کند اما هیچ‌گونه استاندارد یا مفهوم جدیدی ارائه نمی‌دهد.
استانداردهای دیوان محاسبات امریکا مفهوم حسابرسی را برای صرفه اقتصادی، کارایی و اثربخشی تعریف کرده است. به توضیح کوتاهی برای هر یک از این موردها، که به 3یی (3E) شهرت دارد، و جایگاه آن در حسابرسی عملیاتی، توجه فرمایید:
الف- صرفه اقتصادی (یا هزینه عملیات)
آیا سازمان مورد رسیدگی مسئولیتهای خود را در برابر منابع با در نظر گرفتن اصل صرفه‌جویی، به اقتصادی‌ترین شکل ممکن انجام می‌دهد؟ در ارزیابی صرفه اقتصادی عملیات و چگونگی تخصیص و استفاده از منابع، حسابرس عملیاتی ممکن است موارد زیر را بررسی کند:
• گزینش روشهای مناسب برای تدارکات،
• تورم نیروی انسانی سازمان با توجه به حجم عملیات اجرایی،
• نگهداری مواد مازاد بر نیاز،
• استفاده از تجهیزات پرارزش،
• اجتناب از اتلاف منابع،
ب- کارایی (روشهای عملیات)
آیا سازمان مسئولیتهای خود را با حداقل تلاش انجام می‌دهد؟
نمونه‌هایی از موارد ناکارایی عملیاتی که باید نسبت به آن هوشیار بود عبارت است از:
• استفاده نامناسب از روشهای دستی و كامپیوتری،
• کاغذبازی بیهوده،
• سیستمها و روشهای غیرکارای عملیاتی،
• سلسه مراتب یا الگوهای ارتباطی پیچیده در سازمان،
• دوباره‌کاری،
• مراحل کاری بیمورد.
بر اساس استانداردهای حسابرسی دولتی، صرفه اقتصادی و کارایی واژه‌هایی مرتبط با یکدیگرند و اظهارنظر حرفه‌ای جداگانه در مورد هر یک از این دو مفهوم ناممکن است. معمولاً حسابرسی عملیاتی به اظهارنظر حرفه‌ای ‌در مورد عملکرد کلی سازمان نمی‌انجامد و در نتیجه، این استانداردها نیز حسابرس را ملزم به چنین اظهارنظری نمی‌کنند. بلکه حسابرس یافته‌ها و نتایج بررسی‌های خود را در مورد حدود کفایت عملکرد گزارش می‌کند. این گزارش همچنین شامل روشهای خاص، روشها و کنترلهای داخلی است که می‌توانند به‌صورت کاراتر یا موثرتر به‌کار روند. اگر فرصتی برای بهبود عملیات یافت شود، حسابرس اقدامات اصلاحی مناسب را پیشنهاد می‌کند.
ج- اثربخشی (یا نتایج عملیات)
آیا سازمان با توجه به هدفها یا هر معیار اندازه‌گیری دیگری به نتایج یا منافع خود دست می‌یابد؟ بازنگری نتایج عملیات شامل موارد زیر می‌شود:
• ارزیابی سیستم برنامه‌ریزی سازمانی شامل هدفها و برنامه‌های تفصیلی سازمان،
• ارزیابی کفایت سیستم مدیریت برای اندازه‌گیری اثربخشی،
• تعیین دامنه دستیابی به نتایج،
• شناسایی عوامل بازدارنده دستیابی به نتایج رضایتبخش.
با اینکه ارزیابی نتایج عملیات از جمله مسئولیتهای دائمی مدیریت است اما هدفها و معیارهای اندازه‌گیری همیشه بروشنی تعریف نمی‌شود. بدون چنین شفافیتی، حسابرس نمی‌تواند نتیجه عملیات را به‌گونه‌ای معنیدار ارزیابی کند. اگر مدیریت قبل از حسابرسی عملیاتی موفق به این مهم نشده باشد، حسابرس باید به‌همراه مدیریت اقدامات زیر را انجام دهد:
• تعیین هدفها،
• تعیین معیارهای اندازه‌گیری،
• تعیین روشهای لازم برای گرداوری داده‌های مورد نیاز جهت اندازه‌گیری میزان دستیابی به نتایج عملیاتی.
ارتباط بین کارایی و صرفه اقتصادی و تاثیر آن بر نتایج به‌دست آمده را می‌توان به حرکتی الاکلنگی تشبیه کرد به این معنی که باید موازنه‌ای جهت دستیابی به مقدارهای لازم از هر کدام ایجاد شود. موازنه مطلوب وقتی برقرار می‌شود که هزینه عملیات بدون کاهش کارایی (یا روشهای عملیات) و اثربخشی (یا نتایج‌ عملیات) در حداقل سطح ممکن نگهداری می‌شود که این همان تحقق صرفه اقتصادی عملیات است. در همان زمان نتایج عملیات را باید با کمترین هزینه و بدون فدا کردن نتایج انجام داد و این به‌معنی تحقق کارایی است. از این‌رو می‌توان دریافت چرا صرفه اقتصادی و کارایی به‌طور معمول با همدیگر و به‌عنوان بخشی از روش حسابرسی عملیاتی مورد بررسی قرار می‌گیرند.
صرفه اقتصادی، کارایی و اثربخشی به شکلی است که در نمودار 1 نشان داده شده است. در این نمودار، به رابطه بین صرفه اقتصادی عملیات و کارایی نیز اشاره شده است.



**حسابرس عملیاتی**
هر کس که مهارت لازم را داشته باشد می‌تواند حسابرسی عملیاتی را انجام دهد. با این‌حال معمولاً از حسابرسان مالی (داخلی یا مستقل) به‌سبب داشتن دانش عملیاتی و مهارتهای تحلیلی در خواست می‌شود تا چنین خدماتی را ارائه دهند. پیشرفت و موفقیت نهایی در دستیابی به مزایای حسابرسی عملیاتی تا حد زیادی بستگی به مهارتهای حسابرسان و طرز تفکر مدیریت نسبت به آنان دارد.
ویژگیهای یک حسابرس عملیاتی خوب عبارت است از:
• کنجکاوی (Curiosity)،
• توانایی تجزیه‌وتحلیل (Analytical ability)،
• توانایی متقاعدسازی (Persuasiveness)،
• قضاوت خوب حرفه‌ای (Good business judgment)،
• آگاهی متعارف (Common sense)،
• بی‌طرفی (Objectivity)،
• مهارت برقراری ارتباط (Communication)،
• خلاقیت در تلفیق مجموعه‌ای از تکنیکها همچون کارسنجی، تهیه نمودارها، تجزیه‌وتحلیل هزینه - سود، تجزیه‌وتحلیل سازمانی، داده‌پردازی و غیره،
• استقلال (Independence)،
• اعتماد به‌نفس (Confidence).
به‌علاوه، حسابرس عملیاتی موفق باید واجد خصوصیات زیر نیز باشد:
-1 توانایی مشخص کردن نارساییهای عملیاتی.
-2 توانایی مشخص کردن نواحی بحرانی و مشکل‌آفرین و پرداختن به اصل مطلب به‌طوری که مسائل حاشیه‌ای و کم‌اهمیت وقت او را نگیرد. کاربرد اصل 20-80 می‌گوید حسابرس عملیاتی 80 درصد به آگاهی متعارف و تنها 20 درصد به آشنایی با مهارتهای فنی نیاز دارد و اینکه 80 درصد نواحی عملیاتی ضعیف تنها باعث 20 درصد مشکلات می‌شود و 80 درصد بقیه مشکلات، ناشی از 20 درصد نواحی عملیاتی ضعیف است.
-3 توانایی این که خود را به‌جای مدیریت فرض کند، مشکلات را تجزیه‌وتحلیل و سئوالهایی را از دید مدیریت مطرح کند. البته دست یافتن به این امر دشوار است، زیرا در بیشتر وقتها حسابرس در موقعیت عملیاتی مدیر قرار ندارد. حتی در مواردی که این امر هم صحیح نباشد، حسابرس احتمالاً در درک موانعی که مدیریت با آن دست به گریبان است، مشکل خواهد داشت.
-4 مهارت انتقال نتایج حاصل از حسابرسی عملیاتی، بدین معنی که میزان قبول و اجرای پیشنهادهای حسابرس عملیاتی از سوی مدیریت، ابزار مناسبی برای اندازه‌گیری موفقیت حسابرس عملیاتی است. اجرای پیشنهادهای حسابرس محصول این ارتباط است. قاعده کلی در حسابرسی عملیاتی آن است که زمانی یک حسابرسی عملیاتی با موفقیت انجام شده است که حسابرس بتواند مدیریت را مجاب کند که بیش از 50 درصد پیشنهادهای او را انجام دهد.
به‌علت تنوع و پیچیدگی حسابرسی عملیاتی و تعدد مهارتهای مورد نیاز، مجموعه‌ای از قواعد کاربردی برای تکمیل تواناییها و مهارتهای معمول کارکنان حسابرسی مورد نیاز است. اما همیشه نمی‌توان در عمل افرادی را با کلیه مهارتهای مورد نیاز برای حسابرسی عملیاتی به‌دست آورد. از این‌رو، باید مهارتهای مورد نیاز برای انجام هر مورد حسابرسی عملیاتی خاص را در نظر گرفت و اطمینان یافت افراد گروه حسابرسی از این مهارتها برخوردارند و یا به‌صورت قراردادی، از افراد واجد این مهارتها در خارج از سازمان استفاده کرد.

**تفاوتهای حسابرسی عملیاتی و حسابرسی مالی**
با استفاده از مفاهیم حاکم بر حسابرسی عملیاتی می‌توان به بررسی تفاوتهای موجود میان حسابرسی مالی و حسابرسی عملیاتی پرداخت. مثلاً در حسابرسی مالی، معتبر بودن در خواست و سفارشهای خرید و صورتحساب فروشندگان مورد توجه است. در حالی‌که در حسابرسی عملیاتی موارد زیر بیشتر مورد توجه است:
-1 ضرورت خرید مواد،
-2 معقول بودن مقدارهای مورد استفاده یا خریداری‌شده،
-3 اجتناب‌پذیر بودن ضایعات یا منابع در معرض اتلاف وخرابی و ...،
-4 اعمال نفوذ زیاد درخواست‌کننده کالا در بخشهای مختلف سازمان، با معرفی منابع خرید کالا.
به‌عنوان نمونه، یکی از مراحل عادی حسابرسی مالی، مشخص کردن این مطلب است که آیا تقاضاها و فاکتورهای خرید به نحو درست تایید شده است یا خیر؟ در حالی‌که ، اگربا دیدگاه «عملیاتی» به خرید نگاه کنیم، احتمالاً سئوالهایی از این دست برای حسابرس پیش می‌آید:
-1 آیا مواد اولیه واقعاً مورد نیاز بوده است؟ به‌عنوان نمونه، آیا سفارش مواد اولیه اشتباه بوده است؟ به این معنا که به‌علت تغییرخصوصیات محصول و اطلاع ندادن این امر توسط واحد تعیین خصوصیات محصول به بخش خرید، امکان استفاده از این مواد برای سازمان وجود نداشته است.
-2 آیا مقدارهای مواد اولیه مصرف شده یا خریداری‌شده معقول بوده است؟ به‌عنوان مثال، به‌ فرض اینکه موجودی مواد قابل استفاده باشد، آیا کالاهای خریداری‌شده به‌میزانی بالاتر از حد ذخیره ایمنی موجودی، به‌دلیل ترس از کمبود کالا در بازار صورت گرفته است؟
-3 آیا ضایعات اجتناب‌پذیر در سازمان وجود داشته است؟ برای مثال، آیا قطعاتی که احتمال زنگ‌زدگی دارد و اجزای فولادی خریداری شده به‌علت تراکم کالا در قسمتهای سر پوشیده، در محوطه بیرونی نگهداری می‌شود؟
-4 آیا درخواست‌کننده کالابا معرفی منابع یا علامتهای تجاری خاص نفوذ غیرعادی اعمال کرده است؟ به‌عنوان مثال، آیا درخواست‌کننده کالا سفارش خرید یک ریزپردازنده گرانقیمت یا یک دستگاه تکثیر زیراکس را داده است، (در حالی‌که نوع ارزانتر نیز می‌توانست همان کار را انجام دهد)؟
مهمترین تفاوتهای موجود بین حسابرسی مالی و حسابرسی عملیاتی در جدول 1 نشان داده شده است .

**جدول 1 - مقایسه حسابرسی مالی و حسابرسی عملیاتی**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **ویژگیها**  | **حسابرسی مالی** | **حسابرسی عملیاتی** |
| هدفها  | اظهارنظر در مورد وضعیت مالی |  تجزیه‌وتحلیل و بهبود روشها و عملکرد |
| دامنه  | مدارک و اسناد مالی |  فعالیتهای سازمانی |
| مهارتها | حسابرسی  |  دانشهای مختلف |
| جهتگیری زمانی  | گذشته‌نگر  | آینده‌نگر |
| دقت  | مطلق  | نسبی |
| مخاطبین  | سهامداران، عموم | مدیریت داخلی |
| ضرورت  | الزامات قانونی | طبق درخواست مدیریت |
| استانداردها  | GAAP,GAAS | استانداردهای GAO، صرفه اقتصادی، کارایی و اثربخشی |
| اظهارنظر  | ضروری  | غیرضروری |
| نتایج حسابرسی | اظهارنظر درمورد صورتهای مالی |  پیشنهاد به مدیریت |
| کانون توجه  | ارائه مطلوب صورتهای مالی |  پیشرفتهای عملیاتی |
| نقطه‌نظر | مالی  | مدیریتی |
| موفقیت  | اظهارنظر مقبول | پذیرش و انجام پیشنهادها توسط مدیریت |

**اهمیت حسابرسی عملیاتی**
حسابرسی عملیاتی می‌تواند مزایای چشمگیری برای مدیریت ارشد و کارکنان سازمان به‌شرح زیر داشته باشد:
الف- شناسایی نواحی مشکل‌آفرین، علل مربوط و راهکارهای بهبود آن.
ب- فراهم آوردن فرصتهایی برای حذف هرگونه ناکارایی و ضایعات: یعنی کاهش هزینه؛ هر ریال کاهش هزینه (البته بدون فدا کردن کارایی و اثربخشی)، موجب افزایش سود به همان میزان می‌شود.
ج- شناسایی فرصتهایی برای افزایش سطح درامد. افزایش درامد نیز بر برافزایش سطح سود موثر است، اما این تاثیر فقط تا میزان حاشیه سود برای این درامد اضافی است. در واقع درامد می‌تواند به ضرر سود و کارایی عملیات عمل کند.
د- شناسایی مقاصد، هدفهای عملیاتی، سیاستها و رویه‌های تعریف‌نشده سازمانی.
ه- پیشنهادهایی برای بهبود سیاستها، رویه‌ها و ساختار سازمانی.
و- بررسی عملکرد اشخاص و واحدهای سازمانی.
ز- بررسی رعایت الزامات قانونی و هدفهای سازمانی، هدفهای عملیاتی، سیاستها و روشهای سازمانی.
ح- بررسی وجود هرگونه اعمال غیرمجاز و متقلبانه یا خلاف قوانین و مقررات.
ط- ارزیابی سیستمهای اطلاعاتی کنترلی مدیریت.
ی- شناسایی نقاط مشکل‌آفرین احتمالی در عملیات آینده.
ک- فراهم آوردن راه ارتباطی میان مدیریت ارشد و مدیریت عملیاتی.
ل- فراهم آوردن ارزیابیهای مستقل و بیطرفانه از عملیات.

**کاربرد حسابرسی عملیاتی**
کانون توجه و دیدگاه بسیاری از حسابرسان چه در بخش دولتی و چه بخشهای غیردولتی در سالهای اخیر تغییر کرده است. نیازهای اطلاعاتی مدیریت برای راهبری عملیات و تجزیه‌وتحلیل نتایج مربوط تا حدی افزایش یافته است که اطلاعات مندرج در صورتهای مالی در حال حاضر پاسخگوی این نیازها نیست. مدیریت واحدهای خصوصی یا دولتی هر دو اطلاعاتی را دنبال می‌کنند که با آن بتوانند در مورد کیفیت عملیات انجام شده قضاوت کنند و موجب پیشرفت آن شوند. از این‌رو ضرورت استفاده از تکنیکهای حسابرسی عملیاتی برای ارزیابی اثربخشی و کارایی عملیات در هر دو بخش دولتی و خصوصی دارای اهمیت یکسانی است.

**تقاضا برای خدمات حسابرسی عملیاتی**
مفاهیم حسابرسی عملیاتی در ایران به‌صورت نظری بیش از یک دهه است که مطرح بوده است و صاحبنظران و علاقه‌مندان در مراکز دانشگاهی و حرفه‌ای آن را مورد بحث‌ قرار داده‌اند. در این زمینه کتابها، جزوه‌ها و مقاله‌هایی نیز چه به‌صورت ترجمه و چه به‌صورت تالیف منتشر شده و در اختیار علاقه‌مندان و دانش‌پژوهان قرار گرفته است. حتی چندین پروژه عملی نیز به‌وسیله سازمان حسابرسی در شرکتهای متوسط ‌و بزرگ دولتی و نیمه‌دولتی انجام شده است.
آن‌طور که در پایگاه اینترنتی سازمان حسابرسی درج شده (که البته معلوم نیست مربوط به چه دوره تاریخی است)، “طبق مصوبه مجمع عمومی سازمان حسابرسی، انجام کار حسابرسی عملیاتی تعداد 20 شرکت و 10 طرح تملک داراییهای سرمایه‌ای در دستور کار سازمان قرار گرفته و کار حسابرسی عملیاتی تعداد 13 شرکت و 6 طرح تملک داراییهای سرمایه‌ای به پایان رسیده و کار 1 شرکت نیز در جریان رسیدگی است. درضمن طبق دستور وزیر محترم اقتصاد و دارایی، تعداد 20 شرکت و 2 طرح تملک داراییهای سرمایه‌ای دیگر نیز برای انجام حسابرسی عملیاتی در دستور کار سازمان قرار گرفته که گزارش 8 شرکت صادر شده است و کار 2 شرکت در جریان رسیدگی است. افزون بر این 17 شرکت به‌صورت اختیاری متقاضی انجام حسابرسی عملیاتی بوده‌اند که کار 7 شرکت به پایان رسیده و گزارشهای مربوط صادر شده است و کار 10 شرکت نیز در جریان رسیدگی است”.
البته توجه سازمان حسابرسی و وزارت محترم امور اقتصادی و دارایی به این امر درخور توجه بوده و باید مورد قدردانی قرار بگیرد. لیکن با وجود این فعالیتها، در جذب مخاطبان و ایجاد تقاضا پیشرفت ملموسی به‌دست نیامده است. این امر نشان می‌دهد که فعالیتهای انجام شده کافی نبوده و گسترش حسابرسی عملیاتی و نهادینه شدن آن، کوششهای بیشتر و پیوسته‌تری را می‌طلبد.
یکی از دلایل پیشرفت نکردن حسابرسی عملیاتی شاید این باشد که لزوم انجام این‌کار برای مدیران و کارکنان بخش خصوصی و دولتی محرز نشده و مزایای آن را درک نکرده‌اند و به‌صورت کار لوکس به آن نگاه می‌کنند. اصولاً اولین شرط برای انجام موفق حسابرسی عملیاتی این است که هم مدیران اجرایی و هم مدیران و کارکنان عملیاتی باور کرده باشند که انجام آن به نفع سازمان است و با درک و قبول این موضوع تن به انجام حسابرسی عملیاتی بدهند. در غیر این‌صورت، حتی اگر پروژه حسابرسی عملیاتی در یک شرکت انجام بشود، هم کارکنان عملیاتی به‌دلیل باور نداشتن به سودمندی آن همکاری لازم را به‌عمل نمی‌آورند و مدیران اجرایی نیز به پیشنهادهای اصلاحی حسابرس وقعی نخواهند گذاشت.
به‌همین دلیل برای آشنایی بیشتر مخاطبان، حسابرسی عملیاتی باید به‌عنوان یک سرفصل درسی در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی تدریس شود. با برگزاری سمینارها و دوره‌های آموزشی حرفه‌ای و آکادمیک می‌توان مدیران اجرایی و سایر افراد ذیربط را با مزایای آن آشنا کرد. ایجاد الزامهای قانونی نیز در صورتی‌که مورد سوء استفاده قرار نگیرد، می‌تواند نقش موثری در پیشبرد و گسترش حسابرسی عملیاتی داشته باشد (به‌عنوان مثال می‌توان برای شروع، انجام حسابرسی عملیاتی را برای بعضی شرکتهای دولتی یا خصوصی با اندازه‌های خاص اجباری کرد). ضمناً ترجمه و تالیف منابع جدید به‌وسیله استادان و علاقه‌مندان و پیشگامان این حرفه نیز می‌تواند کمک شایانی به بسط و نهادینه شدن حسابرسی عملیاتی بکند.

**آینده حرفه حسابرسی عملیاتی**
با توجه به مطالب گفته‌شده، آینده این حرفه بستگی بسیاری به آشنایی مدیران و کارکنان بخش خصوصی و دولتی با مزایا و سودمندیهای حسابرسی عملیاتی دارد. امید است با کوشش بیشتر پیشگامان و استادان فن و هماهنگی کلیه سازمانهای ذیربط اعم از مراکز آموزش عالی، مراجع قانونگذاری و اجرایی و حرفه‌ای در ارائه تعریفهای شفافتر و تهیه منابع تئوریک کاملتر و تدوین قوانین ضروری و آموزش و تبلیغات مناسب بتوانیم شاهد بسط و توسعه بیشتر این حرفه در آینده باشیم.

a